

ضرورت مستندسازی و حفاظت از میراث موسیقی ایران



فرهنگ جامع موسیقی ایرانی

بهروز وجدانی

نشر گندمان، نشر دایره، بهار ۱۳۸۶

اشاره:

در تداوم زمینه‌های رشد و توسعه و تقدیر و تشویق و حمایت از مؤلفان، مترجمان، محققان و پژوهشگران در تمامی حوزه‌های معرفتی، مؤسسه‌ی خانه کتاب، در راستای کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، بر آن شد با تأسیس دبیرخانه‌ی جایزه‌ی کتاب فصل در سال ۱۳۸۶، زمینه‌ی داوری دقیق‌تر و علمی‌تر را برای داوران کتاب سال هموار و ارزیابی نهایی کتاب سال از میان برگزیدگان کتاب فصل صورت گیرد. مؤسسه‌ی خانه‌ی کتاب بدین ترتیب در پایان هر فصل از برگزیدگان خود تجلیل می‌کند.

«فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» تألیف بهروز وجدانی از جمله آثار

برگزیده‌ی نخستین دوره‌ی کتاب فصل است. کتاب حاضر نگاه خود را به بعد تاریخی شکل‌گیری و ایجاد واژگان موسیقی ایرانی متمرکز کرده است. امروزه توجه به موسیقی‌نویسان، مورخان موسیقی ایرانی و پژوهشگران این هنر تنها بر استادان و هنرمندان موسیقی رسمی شهری بوده که آنها را در قالب مکتب‌هایی چون، تهران، تبریز، قزوین، شیراز و اصفهان گرد آورده‌اند. به نظر می‌رسد ادامه‌ی چنین دیدگاه و حرکتی منجر به نوعی نگاه یک بعدی و یک سویه به موسیقی ایرانی شده است. در صورتی که موسیقی ملی ایران در چارچوب شهرها و مکتب‌های هنری شکل گرفته، در آنها قرار نمی‌گیرد. این هنر سازنده‌ی هویت، اشکال متنوع و گوناگونی دارد که

در تمام زمینه‌های زندگی مردم ایران اعم از شهری، روستایی و ایلی نقشی پویا و فعال ارائه کرده است و این اندیشه است که «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» را شکل داده است. مطلب حاضر یادداشتی کوتاه بر این اثر برگزیده می‌باشد.

چند ماهی از انتشار کتاب «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» پژوهش و نگارش آقای بهروز وجدانی می‌گذرد. نظر به ضرورت مستندسازی علمی میراث موسیقی ایرانی که بخشی از هویت فرهنگی ما ایرانیان نیز می‌باشد و اهمیتی که حفاظت از میراث فرهنگی معنوی ما به ویژه در عصر حاضر پیدا کرده است، بر آن شدم یادداشتی درخصوص این کتاب به صورت اختصار بیان دارم. مؤلف محترم که پژوهشگر حوزه‌های مردم‌شناسی و میراث فرهنگی معنوی و موسیقی است در این رشته‌ها دارای کتاب‌ها و مقاله‌های چندی است از جمله:

- فرهنگ تفسیری موسیقی (تألیف)

- فرهنگ موسیقی ایرانی (تألیف)

- موسیقی و ساز در سرزمین‌های اسلامی (ترجمه)

- خودآموز موسیقی (ترجمه)

- حضرت علی(ع) در نغمه‌های عامیانه ایران (تألیف)

- فرهنگ جامع موسیقی ایرانی (تألیف)

البته فعالیت‌های اجرایی، مدیریتی و شرکت در مجامع علمی داخلی و بین‌المللی نامبرده نیز اکثراً در حوزه‌های میراث فرهنگی معنوی، حقوق مالکیت فکری، کپی‌رایت و موسیقی بوده است. فعالیت‌های آموزشی و تعهد به شناساندن موسیقی ملی ما در مراکز آموزش عالی و کانون پژوهشگران موسیقی خانه موسیقی را نیز بایستی به فعالیت‌های پژوهشی آقای بهروز وجدانی افزود.

ناشر محترم در مقدمه‌ی کتاب «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» می‌نویسد: «نقش و ارتباط انکارناپذیر هویت ملی ما با موسیقی سنتی و محلی ایران زمین مهم‌ترین انگیزه‌ی چاپ و نشر کتاب «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» بوده است. این کتاب نشانه‌ای از تلاش، ذوق، اندیشه، جهان‌بینی، خلاقیت، هنر و دانش جامعه‌ی موسیقی ایرانی در طی تاریخ پرافتخار کشورمان می‌باشد. ثبت و ضبط و مستندسازی واژگان موسیقی ایرانی در تمام ابعاد تاریخی و جغرافیایی در محدوده‌ی سرزمین بزرگ و تاریخی ایران زمین مورد نظر مؤلف بوده است.

البته این کتاب قبلاً به همت ایشان در سال ۱۳۷۶ با عنوان «فرهنگ موسیقی ایرانی» توسط سازمان میراث فرهنگی کشور منتشر شده است. کتابی که پیش روی خواننده محترم است با تجدیدنظر بنیادی در مطالب، طرح‌ها و عکس‌ها و سایر موارد چاپ و منتشر شده است.

کتاب دو جلدی «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» که در راستای مستندسازی علمی و حفاظت از میراث موسیقایی ایران زمین که بخش عظیمی از میراث فرهنگی معنوی ما ایرانیان را تشکیل می‌دهد، با تلاش چندین ساله و مستمر مؤلف تدوین شده و توسط انتشارات گندمان و نشر دایره به چاپ رسیده است. براساس دیدگاه پژوهشگر محترم به میراث موسیقایی ایران که ناشی از تجربیات و مطالعات ایشان در حوزه‌های مردم‌شناسی و میراث فرهنگی معنوی می‌باشد، کتاب «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی»

تألیف شده است و همان‌طور که از مفاد آن برمی‌آید صرفاً فرم ویژه‌ای از موسیقی ایرانی مورد توجه نبوده است بلکه نگاه مؤلف به تمام نغمه‌های سازی و آوازی، اجراهای فردی و گروهی، موسیقی‌های بزمی، رزمی، آیینی، مذهبی، عرفانی، نظامی، کارآواها، موسیقی سرور و سوگ، حماسه، حزن و اندوه، شادمانه‌ها، فنون و دانش سنتی و ادبیات وابسته به موسیقی، ابزار موسیقی، شیوه‌های نوازندگی و تمامی هنرمندان، فناوران، دانشمندان، اهل ادب و تلاشگران شناخته شده و گمنامی است که در طی تاریخ پرافتخار و پرنشیب و فراز کشورمان در دورافتاده‌ترین نقاط به پاسداری و حفظ و اشاعه موسیقی ملی ایران پرداخته‌اند و موجودیت موسیقی ایرانی در تمام حوزه‌های آن مرهون تلاش‌های صادقانه و مستمر مجریان آن است.

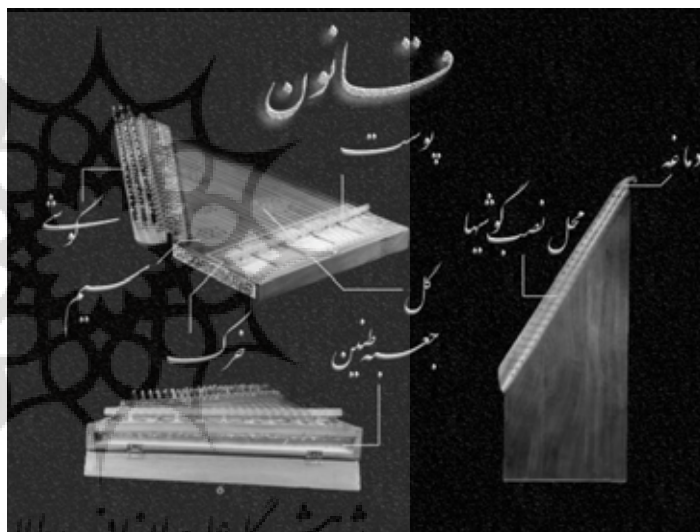
کتاب «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» مرزهای جغرافیایی کنونی ایران را در نظر ندارد بلکه واژه‌های ایرانی متداول در موسیقی سایر کشورهای آسیایی، آفریقایی و حتی اروپایی را نیز تا حد امکان گردآوری و در این کتاب منظور نموده است. این نگرش تأکید بر آن دارد که موسیقی ایرانی علاوه بر تأثیرپذیری از سایر موسیقی‌های جهان در طی تاریخ در موسیقی سایر اقوام مجاور نیز تأثیرات بسیار زیادی از خود به جای گذاشته است. شادروان دکتر مهدی برکشلی در کتاب ارزشمند «موسیقی فارابی» نیز به این امر اشاراتی به شرح زیر دارد:

«وجود واژه‌های فارسی از قبیل نغمه، آواز، دستان، زیر و بم، مایه، فروداشت، ترانه، بزرگ، راست، اصفهان، مهرگان، گردانیه، نوا، زنگوله، زیرافکنند، رهاوی، گوشت، دوگاه، سه‌گاه، چهارگاه، پنج‌گاه، شش‌گاه، هفت‌گاه، شور، عراق عجم و غیره در موسیقی سایر کشورها نشانه تأثیرات عمیقی است که موسیقی ایرانی بر موسیقی سایر کشورها گذاشته است»

مؤلف در محدوده‌ی مرزهای جغرافیایی کنونی ایران نیز صرفاً به موسیقی سنتی ایران که از دوره‌ی قاجاریه به بعد به «ردیف موسیقی دستگاهی» شهرت پیدا کرده و مجریان سنتی آن اکتفا نکرده و نظر به کل «موسیقی ملی» ایران دارد که حاصل تلاش، ذوق و ابتکار تمامی هنرمندان و مجریان موسیقی در سراسر ایران است. این امر از ویژگی‌های مثبت این کتاب است اما کار گردآوری و تدوین واژگان موسیقی ایرانی را نیز تا حد زیادی مشکل می‌سازد.

با توجه به اینکه امکان انجام پژوهش‌های میدانی و گردآوری واژگان موسیقی و شرح حال و آثار مجریان آن فراهم نیست. بنابراین بهتر است این گونه اقدامات به صورت گروهی و با امکانات بیشتر و احیاناً با سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی انجام شود. اگر چه تلاش‌های مسؤولانه و مستمر فردی دستمایه‌ی مطمئنی برای شروع این قبیل پژوهش‌ها می‌تواند باشد ولی پژوهشگر را ملزم به استفاده از اسناد و مدارک موجود و چاپ شده می‌نماید. البته با توجه به این واقعیت که تعداد پژوهشگران موسیقی ایرانی که در راه سخت و طاقت‌فرسای پژوهش‌های میدانی و مستندسازی موسیقی ملی ما در چند دهه‌ی گذشته تلاش کرده‌اند، از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند و تمامی پژوهش‌های اینان نیز به چاپ نرسیده است، بنابراین از قلم افتادن واژگان موسیقی و مجریان گمنام و گاهی شناخته شده‌ی موسیقی طبیعی به نظر می‌رسد. به احتمال زیاد مؤلف محترم «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» نیز به این امر وقوف دارد و امید است در چاپ‌های بعدی همانند چاپ قبلی

نسبت به تکمیل هر چه بیشتر واژگان کتاب اهتمام ورزد. البته این کمبود در سایر فرهنگ‌های موسیقی ایرانی که در دو دهه‌ی اخیر توسط افراد دیگری نیز به چاپ رسیده در حد بیشتری دیده می‌شود، چرا که سایر مؤلفان برخلاف آقای وجدانی صرفاً به موسیقی ردیف دستگاهی ایران توجه داشته و موسیقی اقوام ایرانی را که در محدوده‌ی عناوینی مثل موسیقی محلی، موسیقی بومی، موسیقی مقامی و موسیقی نواحی ایران در چند دهه‌ی گذشته مطرح شده‌اند، را به هیچ وجه مورد توجه قرار نداده‌اند. البته به این نکته نیز بایستی توجه داشت که گردآوری واژگان موسیقی و تدوین فرهنگ‌های موسیقی کاری دشوار و گروهی بوده و نیاز به زمان و امکانات و تخصص‌های زیادی دارد و هیچ گاه نیز به اتمام نمی‌رسد. شاگردان کنونی حوزه‌های مختلف موسیقی در هر دهه گاهی به جایگاهی می‌رسند که در فرهنگ‌های آتی قابل طرح می‌شوند، ضمن اینکه پژوهش‌های میدانی که در حال حاضر به چاپ نرسیده یا هنوز انجام نشده‌اند نیز پاره‌ای اصطلاحات جدید را به مجموعه‌ی واژگان موسیقی ایرانی اضافه می‌کنند.



«فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» دارای عکس‌ها، طرح‌ها و جدول‌های گویا و قابل استفاده‌ای در ذیل واژگان موسیقی است که برگرفته از کتاب‌ها و نشریات موسیقی مورد استفاده است. کمبود امکانات طراحی که ناشی از پژوهش‌های فردی و محروم بودن از امکانات فنی و اقتصادی دولتی است، عدم هماهنگی طرح‌های یک فرهنگ را سبب می‌شود. بدیهی است اگر پژوهشگر محترم از امکانات فنی و هنری و هزینه‌های بالای انجام این کارها برخوردار باشد بی‌تردید نسبت به به یک دست شدن طرح‌های کتاب اقدام می‌نماید که به نوبه‌ی خود در زیبایی و بهره‌رسانی فرهنگی مطالب نقش مهمی ایفا می‌کند. البته این امر از ارزش علمی مطالب متنوع این فرهنگ به هیچ وجه نمی‌کاهد.

در پایان جلد دوم فهرست کامل منابع و مأخذ مورد استناد آمده است که برای آن دسته از پژوهشگران و علاقمندانی که قصد آگاهی بیشتر در خصوص واژگان این فرهنگ را دارند بسیار قابل استفاده است. به نظر می‌رسد اگر فصلنامه‌ها و مجله‌های شاخص و معتبر موسیقی چند دهه‌ی گذشته را همانند

کتاب‌ها و رساله‌های قدیمی موسیقی ایرانی به صورت واژه‌ای مستقل در فرهنگ توضیح داده می‌شد به غنای علمی مطالب کتاب افزوده می‌شد. برای نمونه می‌توان از فصلنامه‌های موسیقی آهنگ، ماهور، مقام، مجله موسیقی، مجله موزیک ایران، مجله هنر موسیقی و غیره نام برد. البته مؤلف محترم در جای جای کتاب به مطالب این نشریات استناد کرده است.

بخش مربوط به نهادهای دولتی مسؤوّل موسیقی و گروه‌ها و ارکسترهای فعال موسیقی رادیو در یکصد سال گذشته نیاز به بررسی اسناد و مدارک دولتی دارد. اگر چه تعداد قابل توجهی از واژگان کتاب به این حوزه‌ها مربوط می‌شوند ولی جای برخی از نهادهای متولی موسیقی در چند دهه‌ی گذشته از جمله انجمن موسیقی، مرکز سرودها و آهنگ‌های انقلابی، حوزه هنری، سازمان‌های مسؤوّل و مجری موسیقی غربی از جمله باله، اپرا، ارکستر سمفونیک، کنسرواتورها و هنرستان‌های موسیقی، سازمان جشن هنر شیراز، جشنواره‌های سراسری موسیقی فجر، دانشکده‌های موسیقی و غیره در میان واژگان این فرهنگ خالی به نظر می‌رسد. البته باید اذعان کرد که مؤلف برای تکمیل این اطلاعات ضروری است از همکاری‌های جدی آرشیوهای سازمان صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دانشگاه‌ها و دیگر نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط موسیقی برخوردار باشد.

به نظر می‌رسد از آن جا که تأکید اصلی مؤلف بر مستندات موجود بوده است، بنابراین امکان گردآوری شرح زندگی و آثار آن عده از مجریان موسیقی که تاکنون با آنها مصاحبه نشده یا در خارج از کشور به سر می‌برند، برای وی فراهم نبوده است. با توجه به این واقعیت‌ها جای برخی هنرمندان در این فرهنگ خالی است. البته این نقص را می‌توان با مراجعه به صاحب‌نظران و پیشکسوتان موسیقی تا حدی برطرف کرد. واقعیت این است که به این خصیصه‌ی رایج نیز باید توجه داشت که معمولاً هنرمندان رشته‌های مختلف از جمله موسیقی اعتنایی به گردآوری شرح فعالیت‌های خود و مستندسازی آفرینش‌های هنری ندارند و چون هنرهای سنتی و محلی ایران معمولاً

به صورت شفاهی از نسلی به نسلی و از استادی به شاگردی در طی تاریخ انتقال پیدا کرده و هنوز هم این شیوه متداول است، بنابراین مستندسازی آثار موسیقی و تدوین شرح حال و آثار هنرمندان ایرانی آن‌طور که در جوامع غربی رایج است اغلب توسط هنرمندان و در زمان حیات آنها کمتر تهیه و انجام می‌شود. این روش برای افرادی که قصد تدوین فرهنگ‌های هنری از جمله موسیقی را دارند، مشکلات زیادی را فراهم ساخته است. خوشبختانه مؤلف تا حد امکان شرح زندگی و آثار هنرمندان برگزیده را به روز کرده است.

درخصوص ضرورت و اهمیت مستندسازی موسیقی ملی ایران که بخش انکارناپذیر هویت ملی ما را تشکیل می‌دهد پژوهشگر در پیش‌گفتار کتاب می‌نویسد:

«خصلت اصلی موسیقی‌های سنتی و بومی که شفاهی بودن آن است سبب شده که با فقدان هر مجری موسیقی بخشی از این میراث فرهنگی معنوی گران سنگ نیز به دست فراموشی سپرده شود یا از بین برود که



موسیقی - رسانه

هوشنگ جاوید

طرح آینده، ۱۳۸۶

«در دوران کنونی که عصر ارتباطات نام گرفته، آنچه برای آیندگان اهمیت دارد، تاریخ‌نگاری و تثبیت درست براساس مستندات موجود است. با توجه به این مهم، برای آن که از چگونگی مدیریت و برنامه‌ریزی هنر موسیقی، که خود عنصری فرهنگ‌ساز است، در زمان ورود رادیو به ایران آگاه شویم، باید نوع برخوردهای مدیران فرهنگی، سیاسی و هنری وقت را با این مسئله مورد بررسی قرار دهیم. مجموعه‌ی حاضر در صدد پرداختن به برخی مسائل در این زمینه می‌باشد.»

اشاره‌ی بالا بخشی از پیش‌گفتار کتاب «موسیقی - رسانه» است. کتاب در ابتدا تلاش می‌کند به زمینه‌های تاریخی حضور رادیو در ایران پرداخته و چگونگی روبه‌رو شدن و نحوه‌ی بهره‌گیری از آن را با توجه به بستری‌های سیاسی حاکم بر جامعه‌ی ایران مورد توجه قرار دهد. جایگاه موسیقی در رادیو و وضعیت رادیو در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۰ - ۱۳۳۰ و موقعیت سیاسی کشور و حاکم شدن این فضا در چگونگی استفاده از موسیقی در رادیو در سال‌های مورد اشاره، نشانگر مشکلاتی است که موسیقی رادیو با آن درگیر بوده است. نویسنده تلاش می‌کند به تأثیرات منفی حضور بیگانگان در کشور و همچنین نصب و عزل‌های پی در پی بپردازد.

به باور مؤلف موسیقی هنر حال است و بی‌شک می‌تواند در فرهنگ‌سازی درونی جامعه و زمینه‌های بیرونی هویت دادن بسیار مؤثر باشد؛ زیرا در تأثیر موسیقی بر خلق و خود می‌بایست به وابستگی دوسویه و پیچیدگی‌های هویت در مخاطب‌شناسی رسانه توجه بیشتری داشت. به نظر مؤلف رسانه می‌تواند حس هویت ملی یا قومی را به جهت بار عاطفی و پیامدهایش برای رفتار واقعی تقویت و آن را عمومیت دهد و در این مقوله به شاخص‌های هویت توجه دقیق کند.

موسیقی را می‌توان هنری برشمرد که ویژگی‌های بیانی زبان جامعه را با همه‌ی خصوصیاتش نشان می‌دهد و به همین دلیل تصنیف‌ها و ترانه‌ها از گیرایی برخوردار شده و تأثیر موسیقی بر حیات اجتماعی و فردی و هویت فرهنگی جامعه عیان می‌شود.

بنابراین ضروری است که رسانه‌ی موسیقی به شکل یک نیاز فرهنگی و امری ضرور در فرهنگ‌سازی به آن بنگرد و خود را در نقش یک امر تفننی قرار ندهد. بی‌شک آگاهی و آشنایی متولیان و دست‌اندرکاران موسیقی در رسانه امری لازم است که اگر چنین نباشد عمدتاً براساس سلیقه و تمایلات شخصی از موسیقی استفاده خواهد شد. بنابراین ناآشنایی مخاطب موسیقی از یک سو و عدم اطلاع تهیه‌کننده‌ی آن بر مشکلات خواهد افزود.

در مجموع برای حفظ و تداوم هویت فرهنگی جوامع سنتی و بومی بسیار مشکل‌آفرین می‌باشد. امید است که از این پس این واقعیت تاریخی مورد مهر و اعتنای بیشتری واقع شود و باور کنیم که با مرگ هنرمندان سنتی به ویژه در حوزه‌های شفاهی آن مثل موسیقی که مجریان صاحب نام آنها نیز نیاز و اعتنایی به مستندسازی آموخته‌ها و تجربیات خود پیدا نمی‌کنند، دانش و هنری که طی هزاران سال از نسلی به نسلی و از استادی به شاگردی منتقل گشته و بخشی از آن در دست هنرمندان سنتی کنونی است بی‌آنکه مجال و امکانی برای انتقال درست و به موقع آنها به نسل حاضر و آینده باشد از بین می‌رود، بدون اینکه متوجه باشیم هر لحظه به بی‌هویتی نزدیک‌تر می‌شویم.»

گردآوری و تدوین واژگان «فرهنگ جامع موسیقی ایرانی» که براساس اسناد و مدارک موجود موسیقایی، پژوهش‌های میدانی و تجربیات مؤلف صورت گرفته گامی ارزنده در مستندسازی و حفاظت میراث فرهنگی معنوی ما ایرانیان نیز به شمار می‌آید. با توجه به تعریف ارائه شده از سوی یونسکو که در ماده ۲ «کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از میراث فرهنگی معنوی» مربوط به سال ۲۰۰۳ آمده است، موسیقی از شاخص‌ترین عناصر میراث فرهنگی معنوی به شمار می‌آید. موسیقی عنصری پویا و فعال در تمام فرهنگ‌های سنتی و بومی است که نقش سازنده‌ای در هویت فرهنگی و ملی ما داشته است. از این رو مستندسازی تمام ابعاد و حوزه‌های موسیقی ملی ما از جمله گردآوری واژگان موسیقی ایرانی و تدوین فرهنگ جامع موسیقی ایرانی در حال حاضر که بنابر علل بی‌شمار، موسیقی ملی ما در معرض فراموشی و بی‌مهری قرار گرفته، اهمیت پیدا می‌کند. باید پذیرفت که هر پژوهشی خالی از نقص نیست. امید است همان‌طور که مؤلف محترم این فرهنگ در پیش‌گفتار کتاب خاطر نشان کرده در چاپ‌های آتی نسبت به تکمیل و روزآمد شدن مطالب و افزودن واژه‌های جدید که حاصل پژوهش‌های در دست انجام است، اهتمام به عمل آید.

بررسی واژگان فرهنگ جامع موسیقی ایرانی دیدگاه مؤلف را مبنی بر اینکه موسیقی نیز همانند سایر عناصر فرهنگی پویا و زنده است به اثبات می‌رساند. از این رو پیشنهاد می‌شود حوزه‌های نوین موسیقی که به ویژه در یکصد سال اخیر در کنار موسیقی سنتی و محلی ایران رواج پیدا کرده و به نوبه‌ی خود باعث غنا، تنوع و گستردگی قلمرو موسیقی ملی ما شده است کامل‌تر مورد توجه قرار گیرند. با این نگاه نمونه‌هایی از واژگان موسیقی که می‌تواند در چاپ‌های آتی در کنار سایر واژگان موسیقی ایرانی مورد توجه مؤلف و پژوهشگر محترم این فرهنگ قرار گیرند، در زیر آورده می‌شود:

ارکستر مجلسی، ارکستر نوین موسیقی ملی رادیو تهران، ارکستر ویژه، ارکستر هنرستان عالی موسیقی، ارکستر اپرای تهران، ارکستر انجمن ژونس موزیکال ایران، ارکستر پاپ رادیو تلویزیون ملی ایران، انجمن فیلامونیک تهران، باشگاه موسیقی، دفتر اپرای تهران، سازمان باله ملی ایران، سازمان کر ملی ایران، سازمان ملی فولکلور ایران، صداخانه ملی، کنسرواتوار موسیقی، هنرستان ملی باله ایران و ...

البته در خلال مطالب کتاب ما با واژه‌های فوق برخورد می‌کنیم ولی بهتر است به صورت واژه‌های جداگانه و مستقل در فرهنگ آورده شوند تا امکان دستیابی به اطلاعات مورد نظر با سهولت بیشتری فراهم آید.